

گزارش پژوهشی



پژوهشکده شورای نگهبان

مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران

آیت الله عباس کعبی

عنوان پژوهش

تحلیل مبانی اصل هفتم قانون اساسی

شماره مسلسل: ۱۳۹۳-۱۶۵

تاریخ: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵



پژوهشکده شورای نگهبان

شناسنامه

عنوان:

مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران

تحلیل مبانی اصل هفتم قانون اساسی

آیت‌الله عباس کعبی

تحقیق و تنقیح: محسن ابوالحسنی

ویراستار تخصصی: علی بهادری جهرمی

دفتر مطالعات نظام‌سازی اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۹۳۰۱۶۵

تاریخ انتشار: ۱۳۹۳/۱۰/۱۵

پژوهشکده شورای نگهبان



مبانی تحلیلے نظام جمہوری اسلامے ایران
تحلیل مبانی اصل هفتم قانون اساسے

فهرست مطالب

۴ مقدمه
۶ مبحث اول: مفهوم شناسی
۶ گفتار اول: مفهوم مشورت
۸ گفتار دوم: مفهوم شورا
۹ مبحث دوم: مبانی و ادله شورا و مشورت
۹ گفتار اول: ادله عقلی ضرورت مشورت
۱۱ گفتار دوم: ادله نقلی ضرورت مشورت
۱۲ بند اول: ادله مشورت در قرآن کریم
۱۵ بند دوم: ادله مشورت در سیره معصومین (علیهم السلام)
۲۰ مبحث سوم: قلمرو مشورت
۲۵ مبحث چهارم: ماهیت حقوقی مشورت در اسلام
۲۵ گفتار اول: مشورت کردن؛ الزامی یا غیر الزامی؟
۲۵ بند اول: نظریه عدم وجود مشورت در امور حکومتی
۲۷ بند دوم: نظریه وجود مشورت در امور حکومتی
۳۴ گفتار دوم: تبعیت از نتیجه مشورت؛ لازم یا اختیاری؟
۳۴ بند اول: نظریه ضرورت تبعیت از نتیجه مشورت
۳۷ بند دوم: نظریه عدم ضرورت تبعیت از نتیجه مشورت
۴۱ گفتار سوم: اداره شورایی در اسلام
۴۵ مبحث پنجم: انواع مشورت
۴۵ گفتار اول: مشورت تخصصی
۴۷ ویژگیهای مشورت دهندگان
۵۰ گفتار دوم: مشورت عمومی
۵۲ مبحث ششم: ارتباط شوراها و نهاد مشورت
۵۲ گفتار اول: لازمه ابتدای شوراها بر نهاد مشورت
۵۴ گفتار دوم: بررسی ماهیت شوراهای محلی و انطباق آنها با نهاد مشورت
۵۸ گفتار سوم: نسبت مجلس شورای اسلامی با نهاد مشورت

- گفتار چهارم: نهادهای مبتنی بر مشورت در قانون اساسی ۶۱
- بند اول: مجمع تشخیص مصلحت نظام..... ۶۲
- بند دوم: شورای عالی امنیت ملی ۶۳
- جمع بندی ۶۴
- منابع ۶۸

مقدمه

اصل هفتم قانون اساسی: طبق دستور قرآن کریم: «و امرهم شوری بینهم» و «شاوهرم فی الامر» شوراها: مجلس شورای اسلامی، شورای استان، شهرستان، شهر، محل، بخش، روستا و نظایر اینها از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشورند. موارد، طرز تشکیل و حدود اختیارات و وظایف شوراها را این قانون و قوانین ناشی از آن معین می‌کند.

فصل کلیات قانون اساسی پس از بیان پایه‌ها و اهداف نظام جمهوری اسلامی و چارچوب مقررات و قوانین آن بر پایه موازین اسلامی، در پی شرح و بیان چگونگی اعمال حاکمیت در نظام جمهوری اسلامی ایران برآمده است. اصل پنجم ساختار ولایت امر و امامت را در نظام جمهوری اسلامی تبیین می‌نماید و در اصول ششم، هفتم و هشتم، به نقش و جایگاه مردم در حاکمیت نظام می‌پردازد. بر اساس اصل ششم امور کشور با اتکای به آرای عمومی اداره می‌شود. در اصل هفتم که شرح فقهی آن موضوع بحث فعلی است، نهاد شوراها به عنوان یکی از نهادهای منتخب مردم از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور معرفی می‌گردد و اصل هشتم وظیفه مردم نسبت به یکدیگر، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت در دعوت به خیر و امر به معروف و نهی از منکر به عنوان وظیفه‌ای همگانی شناخته می‌شود که شرح مبانی فقهی هر کدام از اصول در فصل‌های مربوطه ذکر شده و خواهد شد.

اصل هفتم قانون اساسی که در این فصل در پی شرح ادله، مبانی و ویژگی‌ها و ضوابط آن از نگاه فقهی و در منابع اسلامی هستیم، بحث مشورت در اسلام را مطرح ساخته و بر پایه این اصل اساسی در اسلام، نهادهایی را مبتنی بر نهاد مشورت معرفی کرده است و آن‌ها را از ارکان تصمیم‌گیری و اداره امور کشور دانسته است.

آن چه این فصل در پی بیان آن خواهد بود، تبیین جایگاه نهاد شورا و مشورت در اسلام است که از رهگذر آن به نهادهای شورایی شکل گرفته در قانون اساسی بر پایه مشورت پرداخته خواهد شد و میزان انطباق این نهادها بر مبنای مشورت بررسی می‌گردد.

در این راستا در گام اول برای نزدیک شدن دیدگاه‌ها در موضوع بحث، به صورت خلاصه مفهوم شورا و مشورت مورد بررسی خواهد گرفت. در مبحث دوم مبانی و ادله شورا و مشورت موضوع بحث خواهد بود و ذیل آن به ادله عقلی ضرورت مشورت

اشاره خواهد شد و پس از آن مشورت در منابع نقلی بررسی خواهد شد. آیاتی از قرآن کریم که توصیه به مشورت در آنها مشاهده می‌شود - و در متن اصل هم به عنوان دستور قرآن کریم، مبنای شکل‌گیری نهادهای شورایی در نظام جمهوری اسلامی ایران ذکر شده‌اند - در کنار سیره پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) و ائمه اطهار (علیهم السلام) در بعد فعل و قول ایشان که حجیت آن در منابع فقه شیعه پذیرفته شده است، مورد بحث و بررسی قرار خواهند گرفت تا ضمن روشن شدن جایگاه شورا و مشورت در نگاه شارع مقدس، چگونگی، فواید و ویژگی‌های آن نیز مورد اشاره قرار گیرد.

اصل مشورت در همه جنبه‌های زندگی انسان جریان می‌یابد. یعنی از زندگی شخصی فرد و کوچک‌ترین تصمیمات زندگی شخصی تا بزرگ‌ترین مسائل حکومتی و تصمیماتی که می‌تواند بر زندگی عموم مردم تاثیر بگذارد، نافذ و سفارش شده است. اما بدیهی است با توجه به شرح فقهی اصل هفتم قانون اساسی و جایگاه نهاد مشورت در قانون اساسی آن چه در این فصل بدان پرداخته خواهد شد، مشورت در امور حکومتی است و جزئیات و چگونگی و ماهیت این سطح از مشورت مورد بررسی قرار می‌گیرد.

البته ممدوح بودن نهاد مشورت در نگاه شارع و توصیه‌های مکرر و موکد معصومین (علیهم السلام)، به این معنا نیست که در هر امری از امور زندگی مشورت جایگاه داشته و استفاده از ابزار مشورت برای رسیدن به تصمیم مقرون به صواب ممکن و سفارش شده است، بلکه بایستی در مبحثی جداگانه قلمرو مشورت و محدودیت‌های ایجاد شده بر آن مورد بحث قرار گیرد که مبحث سوم این فصل به این موضوع خواهد پرداخت.

ماهیت حقوقی مشورت در اسلام و تکلیفی یا اختیاری بودن مشورت حاکم اسلامی با دیگران به هنگام اتخاذ تصمیمات خود و همچنین الزام یا عدم الزام نسبت به نتیجه حاصل از مشورت و نظرات مشاوران، از جمله مباحثی هستند که اختلاف نظرهایی میان اندیشمندان در خصوص آنها وجود دارد. از این رو ماهیت حقوقی مشورت در اسلام موضوعی است که در مبحث چهارم این فصل به آن پرداخته خواهد شد تا جمع بندی میان نظریات مختلف در این باره صورت گیرد. در کنار این، یکی از موضوعات مورد اختلاف در میان اندیشمندان حدود یک قرن گذشته، بحث جایگاه

اداره شورایی در اسلام است که موافقان و مخالفان متعددی دارد. در این مبحث موضوع اداره شورایی و جایگاه آن در منابع اسلامی و در نظریات اندیشمندان نیز مورد بحث و بررسی قرار خواهد گرفت و در مبحث پنجم ضمن تقسیم مشورت به مشورت تخصصی و مشورت عمومی به ویژگی‌های مشورت دهندگان که سهم عمده‌ای از روایات را به خود اختصاص داده است، پرداخته خواهد شد.

آن چه در مبحث آخر این فصل ضروری می‌نماید، پرداختن به این بحث است که پس از معرفی مشورت و بیان جایگاه آن در اسلام، ساختارهای شکل گرفته بر پایه این نهاد، تا چه اندازه بر نهاد اصلی مبتنی است. به این منظور بایستی ارکان لازم برای ابتدای یک ساختار بر نهاد مشورت، بررسی گردد و پس از آن نهادهای معرفی شده در اصل هفتم بر مبنای مشورت، با ارکان پیش گفته سنجیده شوند تا میزان ابتدای آن‌ها بر نهاد مشورت در اسلام مشخص گردد؛ علاوه بر این، به غیر از نهادهای اصل هفتم، بعضی دیگر از ساختارهایی که در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران وجود دارند و از ارکان لازمه ابتدای یک ساختار بر نهاد شورا تبعیت نموده‌اند ولی در اصل هفتم ذکر نشده‌اند، برای نمونه ذکر می‌گردند. بدین معنا در این مبحث به عنوان موضوع اصلی، ارتباط نهاد شورا - صدر اصل هفتم - که در مباحث قبلی به آن‌ها اشاره می‌گردد، با نهادهای شورایی در ساختار نظام جمهوری اسلامی ایران - ذیل اصل هفتم - بررسی خواهد شد و میزان انطباق بنای حاصله بر مبنای شورا، به داوری گذاشته می‌شود؛ اما جزییات ماهیت و شرایط هر کدام از این نهادها، به شرح فقهی اصول مربوطه سپرده خواهد شد و ورودی به آن‌ها صورت نخواهد گرفت.

مبحث اول: مفهوم شناسی

شناخت شورا در قانون اساسی و در منابع فقهی نیازمند درک مشترک از مفهوم مشورت و شورا است تا در ادامه منابع و ادله آن مطرح و بررسی گردد. بدین خاطر در این مبحث به شناخت مفاهیم اصلی موضوع بحث در این بخش پرداخته خواهد شد و در مباحث بعدی جایگاه و ادله موضوع مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

گفتار اول: مفهوم مشورت

شورا و مشورت هر دو به زبان عربی و از ریشه «شَ و ر» هستند. این واژه در لغت به معنای غسل چیده شده است که در زبان متداول معنای مشورت از آن برداشت

گردیده است.^۱ در زبان فارسی هم واژه مشورت تقریباً بدون تغییر معنی وارد شده است و در لغت معانی پند، اندرز و نصیحت،^۲ کنکاش، رایزنی و رای زدن برای آن ذکر شده است و مشورت کردن نیز به تدبیر خواستن معنا شده است.^۳

در اصطلاح، مشورت به معنای نظرخواهی با مراجعه بعضی به بعض دیگر است و علت استفاده از این کلمه با معنای لغوی گفته شده، به این خاطر است که همان گونه که عسل از جایش بیرون آورده می‌شود، در مشورت هم رای و نظر از شخص طرف مشورت استخراج می‌گردد.^۴ همچنین مشورت به «تبادل نظر کردن دو یا چند نفر با یکدیگر به منظور یافتن راه حل یا تصمیم گیری درباره موضوعی»^۵ تعریف شده است. در مجموع آنچه از مفهوم شورا برداشت می‌شود، همان تعریفی است که در عرف از این واژه برداشت می‌شود که افراد در انتخاب راه حل و تصمیم گیری در امور مختلف به نظرخواهی و بهره گیری از آرای عقلا و خردمندان در یافتن مسیر صحیح پرداخته و از طریق این تبادل نظر، تصمیم اتخاذ کنند.

مشورت، حاصل تعامل سه رکن با یکدیگر است. رکن اول «مشورت گیرنده» است که در معرض تصمیمی است که برای انتخاب هر چه بهتر آن به عقل و خرد و تجربه دیگران تمسک می‌کند. «مشورت دهنده» رکن دوم مشورت است که در امر مشورت مورد سوال قرار می‌گیرد و به مشورت گیرنده در انتخاب تصمیم مطلوب کمک می‌نماید، و رکن سوم «موضوع و مساله مورد مشورت» است که تردید در آن، مشورت گیرنده را به کمک گرفتن و نظرخواهی از عقل و خرد مشورت دهنده وا می‌دارد. این ارکان در هر گونه‌ای از مشورت چه در سطح شخصی و مسائلی که برای افراد پیش می‌آید و چه در سطح کلان حکومتی و تصمیم گیری‌های مهم و بزرگ ملی و بین‌المللی که از سوی حاکمان کشور صورت می‌گیرد، وجود دارد. فایده عملی بیان این ارکان در این است که برای هر کدام از این ارکان، ویژگی‌ها و

۱. فؤاد افراهم البستانی، فرهنگ ابجدی، ترجمه رضا مهیار، تهران: انتشارات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۵. صفحه ۵۳۹

۲. همان، صفحه ۸۲۷

۳. علی اکبر دهخدا، فرهنگ متوسط دهخدا، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۸۵، جلد دوم صفحه ۲۷۲۷

۴. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴، جلد دوم، صفحه ۳۶۲

۵. حسن انوری، فرهنگ بزرگ سخن، تهران: انتشارات سخن، چاپ چهارم، ۱۳۸۶، جلد هفتم، صفحه ۷۰۵۷

خصوصیاتی وجود دارد که آن‌ها را با محدودیت‌هایی روبرو می‌سازد. برای مثال برای مشورت دهنده ویژگی‌های متعددی در منابع ذکر شده است و قلمروی خاصی نیز برای موضوع مورد مشورت بیان گردیده که در مباحث آتی به آن‌ها پرداخته خواهد شد.

گفتار دوم: مفهوم شورا

یکی از هم‌خانواده‌های مفهوم مشورت که نسبت تنگاتنگی با یکدیگر نیز دارند، مفهوم «شورا» است. این واژه در لغت بعضاً به همان معنای مشورت^۱ و در برخی منابع به کاری که در آن نظرخواهی می‌شود^۲، تعریف شده است. اما در منابع حقوقی با اندکی تفاوت در معنا به «هیئتی که صلاحیت مشورت کردن و گرفتن تصمیم در مطلب یا مطالبی را داشته باشد»^۳ معنی شده است. بدین معنا اگر چه در لغت شورا و مشورت مترادفند و یا شورا موضوع مشورت را گویند اما در اصطلاح حقوقی در نهاد مشورت دهنده بیشتر متبادر می‌گردد.

با استفاده از تعاریف یاد شده این گونه برداشت می‌شود که مهم‌ترین تفاوت شورا و مشورت در این است که مشورت اقدامی است در نظرخواهی و استفاده از عقل و دانش دیگران و تصمیم‌گیری از این طریق، لیکن شورا به عنوان یک نهاد، مجموعه و هیئتی است که عمل مشورت دادن را انجام می‌دهد و اصولاً با هدف مشورت دادن دور هم جمع می‌شوند.^۴ وظیفه ذاتی شورا، ارائه مشورت است، اما مشورت تنها از طریق شورا اعمال نمی‌شود و از این حیث میان این دو مفهوم، تلازمی وجود ندارد. در ادامه مباحث، همه جا از مشورت و مبانی و دلایل آن سخن گفته می‌شود که بخشی از آن‌ها درباره شورا نیز از حیث وظیفه آن، قابل تسری است اما شورا از حیث جهات و خصوصیات خاصی که به عنوان نهاد داراست، مسایل خاص دیگری را نیز می‌طلبد که به صورت مجزا به آن‌ها اشاره خواهد شد.

۱. علی اکبر قرشی، قاموس قرآن، تهران: دارالکتب الاسلامیه، چاپ ششم، ۱۳۷۱، جلد چهارم، صفحه ۸۹
۲. حسین بن محمد راغب اصفهانی، مفردات الفاظ قرآن، تهران: انتشارات مرتضوی، چاپ دوم، ۱۳۷۴، جلد دوم، صفحه ۳۶۲
۳. محمدجعفر جعفری لنگرودی، مبسوط در ترمینولوژی حقوق، تهران: گنج دانش، چاپ سوم، ۱۳۸۶، جلد سوم، صفحه ۲۳۰۵
۴. محمد معین، فرهنگ فارسی، انتشارات امیرکبیر، چاپ بیست و پنجم، ۱۳۸۸، جلد دوم، صفحه ۲۰۸۸

مبحث دوم: مبانی و ادله شورا و مشورت

شورا و مشورت به عنوان ابزارهایی برای تصمیم گیری‌های عاقلانه که منافع بیشتری را تامین می‌سازد از قدیمی‌ترین شیوه‌های عقلانی زندگی جمعی شناخته می‌شده است. بدین معنا نه تنها مشورت در حیطه شخصی و فردی دارای جایگاهی خاص بوده و اثرات نیک خود را به همراه خواهد داشت، بلکه در سطح حکومتی نیز، از قدیمی‌ترین شیوه‌های مورد استفاده حکومت‌های کوچک و بزرگ ابتدایی بوده است و حتی دولت‌های خودکامه و استبدادی نیز در مواردی برای جلب حمایت‌های مردم و تصمیم گیری‌های مطلوب تر، اقدام به مشورت می‌کرده‌اند. با توجه به محسنات زیاد مشورت -که به گوشه‌هایی از آن در ادامه اشاره خواهد شد- تایید و امضا و توصیه اسلام به این نهاد مثبت، نکته قابل انتظاری است که به کرات در منابع اسلامی مشاهده می‌شود و علاوه بر توصیه به مشورت در امور خصوصی و زندگی شخصی، بحث مشورت در امور حکومتی سر فصل جداگانه‌ای است که بسیار به آن پرداخته شده و تا مرز الزام به مشورت برای حاکم اسلامی پیش رفته است و به عنوان شیوه‌ای اجتناب ناپذیر در مدیریت جامعه سیاسی اسلام پذیرفته شده و به آن تاکید شده است.^۱

بدین معنا نه تنها مشورت به عنوان یکی از شیوه‌های تصمیم گیری در مسائل حکومتی از سوی حاکمان، در اسلام پذیرفته شده است، بلکه یکی از ارکان و روش‌های پایه‌ای تصمیم گیری که در مواردی حتی جنبه الزامی به خود می‌گیرد، یکی از سرلوحه‌ها و مجاری است که تصمیمات حکومتی در اسلام از آن راه بایستی اتخاذ گردد.

در اثبات مطلوبیت امر مشورت به صورت کلی و همچنین اثبات ادعای فوق مبنی بر وجود و الزام مشورت به عنوان یکی از پایه‌های تصمیم گیری در امور حکومتی در اسلام، ادله فراوانی عقلی و نقلی وجود دارد. آیات و روایات متعددی به امر مشورت پرداخته و جایگاه و فواید آن را بیان نموده‌اند. حتی به فرض عدم وجود چنین آیات و روایاتی نیز، عقل به تنهایی امکان اثبات ضرورت آن را داراست که در ادامه انواع ادله را بیان خواهیم نمود.

گفتار اول: ادله عقلی ضرورت مشورت

مشورت یکی از فعالیت‌ها و اقدامات بشر است که سابقه آن به میزان سابقه اجتماعی زیستن مردمان بر می‌گردد و علت آن را بایستی در مدنی بالطبع بودن انسان جستجو کرد. از آن جایی که انسان موجودی اجتماعی است، زندگی او نیز در

۱. عباسعلی عمید زنجانی، فقه سیاسی، تهران: انتشارات امیرکبیر، چاپ چهارم، ۱۴۲۱ ه. ق. جلد اول، صفحه ۴۶۲

حیطه‌های مختلف به صورت اجتماعی و در تعامل با دیگران و با استفاده از نظرات ایشان جریان می‌یابد. مشورت، استفاده از نظرات و خرد دیگران برای اتخاذ بهترین تصمیم و انتخاب بهترین راه حل است و بشر اجتماعی از همان روزهای ابتدایی زندگی بشر و به قدمت دو راهی‌های زندگی خود، با مشورت عجین بوده است.

انسان امروز در دنیای مدرن و یا انسان اولیه جوامع ابتدایی، همواره آن چنان از مشورت به عنوان ابزاری برای اتخاذ تصمیمات بهتر و مطلوب‌تر استفاده می‌کند که گویا به سان امور بدیهی به دنبال هیچ دلیلی برای تمسک به آن نبوده و کسی نباید برای الزام و توصیه به آن برای او دلیل بیاورد. چرا که عقل حکم می‌کند انسان در مسائل مختلف بهترین تصمیمات را که بیشترین منفعت و مطلوبیت را برای او و جامعه او دارد اتخاذ نماید. حال در شرایطی که فرد در اتخاذ چنین تصمیم مطلوبی مردد است، می‌بایست از روش‌های مختلف برای نیل به هدف خود بهره‌برد و قطعا استفاده از عقل و فهم و خرد و تجربه دیگران در قالب مشورت احتمال اخذ تصمیم بهتر را مضاعف می‌سازد. با این وجود از لحاظ عقلی و به طور طبیعی، ضرورت مشورت غیرقابل انکار و برای زندگی انسان ضروری و لازم به نظر می‌رسد.^۱

بدین معنا اصل مشورت، مبنایی عقلایی دارد و اگر هیچ آیه و روایتی هم در تأیید این اصل وجود نداشت - که البته وجود دارد و در گفتارهای آتی به آن‌ها پرداخته خواهد شد - بر اساس بنای عقلا، استفاده از اصل مشورت در زندگی اجتماعی امری لازم و ضروری به حساب می‌آید.^۲

بر همین اساس مشورت در سطح حکومت نیز ضرورت پیدا می‌کند. حاکم جامعه بایستی به دنبال بهترین تصمیم‌ها در جهت تأمین منافع ملت و در راستای اهداف جامعه باشد و از آن جایی که گستره حکومت، آن چنان متعدد است که اصولاً یک نفر نمی‌تواند در همه آن‌ها متخصص باشد که بتواند با استفاده از تخصص خود، بهترین راه‌ها را برگزیند، پس به حکم عقل مشورت با متخصصان امین و استفاده از تخصص و تجربه ایشان، از روش‌های غیرقابل انکار و ضروری برای یک انتخاب مطلوب است و اگر یکی از مدیران و حاکمان در حکومت اسلامی بداند یا حداقل احتمال دهد که

۱. ابوالفضل شکوری، فقه سیاسی اسلام، قم: دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ دوم، ۱۳۷۷، صفحه ۲۴۰

۲. عباس کعبی، بایسته‌های حکمرانی در فرمان حکومتی امیرالمومنین (ع) به مالک اشتر، تهران: موسسه آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی، ۱۳۹۰، صفحه ۱۹۰

در صورت مشورت با صاحب نظران، به راه‌های بهتری برای اداره امور دست یافته و امکان اخذ تصمیم بهتری ایجاد گردد که احتمالاً بدون مشورت به آن‌ها دست نمی‌یافت، در این صورت مشورت بر او واجب خواهد بود.^۱

بنابراین اصل مشورت چه در ساحت امور حکومتی و چه در امور شخصی، به عنوان یک اصل ممدوح و سفارش شده شناخته می‌شود که البته این موضوع از ابداعات اسلام نیست و از امور پسندیده‌ای است که قبل از اسلام نیز وجود داشته است و به علت محاسن آن در اسلام نیز توسط شارع مقدس امضا شده است.^۲ چنان که بر اساس نقل قرآن کریم، بلقیس پس از دریافت نامه حضرت سلیمان (علیه السلام) امرای حکومت خود را فرا خواند و نظرات ایشان را درباره نامه حضرت سلیمان (علیه السلام) جویا شد و تاکید کرد که هیچ اقدامی را بدون نظر مشاوران خود فیصله نداده است.^۳ بیان این مساله در قرآن کریم گویای قدمت بسیار زیاد اصل مشورت و اثبات ابداعی نبودن آن خواهد بود.

در تعالیم اسلامی هم این مساله به صورت چشم‌گیری مورد عنایت قرار گرفته است. مخصوصاً این که ترویج و توصیه مکرر به این امر متکی به خرد جمعی، در زمان بعثت پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) با توجه به جایگاه مردم عادی در زندگی اجتماعی، که غیر از اشراف، دیگران نظر قابل احترامی نداشتند و از هویت اجتماعی بی بهره بوده‌اند، نشان‌گر جایگاه خاص آن در نگاه شارع مقدس است. در مباحث و گفتارهای آتی به طور کامل با بیان ادله و مبانی این مفهوم در قرآن و روایات، به جایگاه و ارزش واقعی شورا و مشورت در اسلام خواهیم پرداخت.

گفتار دوم: ادله نقلی ضرورت مشورت

آن گونه که بیان شد، ضرورت مشورت حتی بدون وجود هیچ گونه دلیل نقلی هم قابل کشف است؛ اما در آیات و روایات متعددی به این موضوع اشاره شده است. این پرداختن نه تنها ناظر به اصل مشورت و ضرورت و محاسن و فواید آن است، بلکه چگونگی و ویژگی‌های مشورت را نیز روشن می‌گرداند و گویای جایگاه آن در

۱. محمدجواد ارسطا، نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹، صفحه ۴۲۰

۲. روح الله شریعتی، قواعد فقه سیاسی، قم: پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۷، صفحه ۱۷۱

۳. قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّى تَشْهَدُون: گفت: ای سران و اشراف! در کارم به من نظر دهید تا شما نزد من حضور داشتید، من بدون شما فیصله دهنده کاری نبوده‌ام. قرآن کریم، سوره مبارکه نمل، آیه ۳۲

زندگی همه افراد و به طور خاص در حیطة تصمیم گیری‌های حاکم اسلامی - به عنوان موضوع مورد بحث ما - است.

بند اول: ادله مشورت در قرآن کریم

«شوری» نام چهل و دومین سوره مبارکه قرآن کریم است و پیش از هر بیانی از آن چه که درباره مفهوم شورا و مشورت در قرآن کریم بیان شده است، ذکر همین نکته کافی است که شورا در ادبیات قرآنی دارای جایگاه خاصی است. اگر چه از این قضیه نمی‌توان در رد یا تایید مشورت بهره برد، اما مهم ترین فایده آن این است که ادبیات مربوط به شورا و مشورت در قرآن و منابع دینی امر غریب و تازه‌ای نیست و به طور مفصل در تفاسیر مختلف از آن سخن به میان آمده است.

در چندین آیه از قرآن کریم از مفهوم مشورت سخن به میان آمده است. آیات ۳۶ تا ۳۹ سوره مبارکه شوری، از جمله آیاتی است که صفات مومنان را مورد اشاره قرار داده است. در این آیات در کنار صفات برجسته‌ای چون توکل، اجتناب از گناهان کبیره، کظم غیظ و چشم پوشی، اقامه نماز، انفاق و دشمنی با باغیان، «مشورت در امور» را به عنوان یکی از صفات مومنان مورد اشاره قرار می‌دهد و با عبارت «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ» بیان می‌نماید که مومنان امور خود را با مشورت پیش می‌برند.^۱

یکی از خصوصیات مومنان این است که در تصمیم‌گیری‌های خود در امور مختلف تلاش می‌کنند تا با استفاده از نظرات اهل خرد، بهترین تصمیم را اخذ نمایند و با مشورت کردن، از جمله مصادیق آیه شریفه «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ»^۲ قرار گیرند^۳ که

۱. فَمَا أَوْرِثْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَمَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَ أَلْبَقَىٰ لِلَّذِينَ آمَنُوا وَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ (۳۶) وَ الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبَائِرَ الْإِثْمِ وَ الْفَوَاحِشَ وَ إِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ (۳۷) وَ الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَ آمَرُوهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَ مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ (۳۸) وَ الَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ الْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ (۳۹)

پس آنچه [از کالا، وسایل و ابزار مادی] به شما داده‌اند، متاع [اندک و زودگذر] زندگی دنیاست، و آنچه [از بهره و پاداش] نزد خداست، برای کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، بهتر و پایدارتر است. (۳۶) و [همان] کسانی که از گناهان بزرگ و از کارهای زشت دوری می‌کنند و هنگامی که [به مردم] خشم می‌گیرند، راه چشم‌پوشی و گذشت را برمی‌گزینند (۳۷) و آنان که دعوت پروردگارشان را اجابت کردند و نماز را برپا داشتند و کارشان در میان خودشان بر پایه مشورت است و از آنچه روزی آنان کرده‌ایم، انفاق می‌کنند (۳۸) و آنان که هرگاه ستمی به آنان رسد [تسلیم ستم و ستمکار نمی‌شوند، بلکه از دشمن به حکم حق و برابر با قوانین اسلام] انتقام می‌گیرند (۳۹)

۲. سوره مبارکه زمر آیه ۱۸

۳. سیدمحمد حسین طباطبایی، المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه سیدمحمد باقر موسوی همدانی، قم:

خداوند در این آیه «بندگان» خود را به این صفت موصوف کرده است و کسانی که این گونه رفتار کنند را از خردمندان و بهره‌مندان از هدایت الهی بر شمرده است.^۱ پس در نگاه قرآن کریم، مشورت نه تنها از ویژگی‌های مومنان بر شمرده شده است بلکه مشورت کنندگان، عاقلان و هدایت شدگان الهی معرفی شده‌اند. به علاوه بعضی از اندیشمندان، این آیه را نه فقط توصیف مومنان، بلکه حکمی بر وجوب مشورت و به عنوان یکی از عواملی که عدم وجود آن‌ها موجب خلل در ایمان می‌شود، دانسته‌اند.^۲

از دیگر آیاتی که در قرآن کریم به بحث مشورت پرداخته است آیه ۱۵۹ سوره مبارکه آل عمران است که خداوند در آن، مجموعه اوامری را خطاب به پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) بیان می‌فرماید.^۳ این آیه بر مبنای امری که در آن بر مشورت صورت گرفته است، از ادله‌ی قرآنی مشورت به خصوص در امور حکومتی به حساب می‌آید.

گذشت از خطاهای امت و درخواست بخشش از خداوند برای آن‌ها اولین مسأله‌ای است که خداوند پیامبر اکرم (ص) را به آن امر می‌کند. این آیه پس از جنگ احد نازل شده است و با توجه به اتفاقات ناگوار این جنگ و ناراحتی پیامبر اکرم (ص) از عملکرد مسلمانان، ایشان از سوی خداوند به رافت و رحمت و استغفار برای مسلمین توصیه می‌گردند. نکته مهم درخصوص این آیه این است که این آیه پس از اتخاذ تصمیم پیامبر (ص) به جنگ با مشرکان در بیرون از شهر در غزوه احد پس از مشورت با اصحاب^۴ نازل شد که نتیجه ناگواری در پی داشت، با این حال در این آیه پیامبر اکرم (ص) باز هم صریحاً با عبارت «و شاورهم فی الأمر...» به مشورت با مردم

- دستر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چاپ پنجم، ۱۳۷۴، جلد هجدهم، صفحه ۹۳
۱. الَّذِينَ يَسْمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَأُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ. آنان که سخن را می‌شنوند و از بهترینش پیروی می‌کنند، اینانند کسانی که خدا هدایتشان کرده، و اینان همان خردمندانند.
 ۲. محمد مهدی شمس الدین، فی الاجتماع السیاسی الاسلامی، بیروت: الموسسه الدولیه للدراسات و النشر، ۱۴۱۲ هـ ق، صفحه ۱۰۸
 ۳. فِيمَا رَحِمَهُ مِنَ اللَّهِ لَئِن لَّمْ يَكُنْ لَّوَلَا كُنْتَ فَطَلَّ غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْفَضُّوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَ شَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ [ای پیامبر!] پس به مهر و رحمتی از سوی خدا با آنان نرم خوی شدی، و اگر درشت خوی و سخت دل بودی از پیرامونت پراکنده می‌شدند بنابراین از آنان گذشت کن، و برای آنان آموزش بخواه، و در کارها با آنان مشورت کن، و چون تصمیم گرفتی بر خدا توکل کن زیرا خدا توکل کنندگان را دوست دارد. سوره مبارکه آل عمران آیه ۱۵۹
 ۴. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵، جلد سوم، صفحه ۱۰۱۷

توصیه می‌شوند. یعنی علیرغم همه اتفاقات سخت و ناگوار جنگ احد که نتیجه مشورت دادن غلط اطرافیان در امور جنگی به عنوان یکی از اصلی‌ترین مصادیق و وجوه امور حکومتی - و البته غفلت و طمع مسلمانان در میدان جنگ - بود، اما باز هم اصل شورا و مشورت از سوی خداوند تأیید می‌شود که این بدین معناست که مشورت به خودی خود امری ممدوح و توصیه شده است و منافع بسیاری دارد؛ حتی اگر در مواردی به نتیجه دلخواه منتهی نشود و عواقب جبران‌ناپذیری نیز به همراه داشته باشد.^۱

می‌توان مخاطب توصیه‌های مذکور در این آیه که خطاب به پیامبر اسلام (ص) بیان شده است را حاکمان اسلامی پس از پیامبر (ص) نیز دانست و می‌توان این گونه برداشت کرد که الزام مشورت در امور، بر جانشینان پیامبر (ص) و حاکمان امت اسلامی یعنی ائمه اطهار و فقهای دارای ولایت نیز جاری است و نفس مشورت به عنوان یکی از وظایف حاکم اسلامی تلقی می‌گردد.^{۲ و ۳}

نکته دیگری که درباره مضمون آیه بایستی از آن سخن گفت این است که مشورتی که پیامبر اسلام (ص) به آن مأمور می‌شوند «فی الامر» است. واژه «امر» کلیه امور فردی و اجتماعی اعم از کارهای سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و دفاعی را شامل می‌شود، اگر چه قدر متیقن آن مشورت در اداره جامعه و امور حکومتی است.^۴ اما در مجموع منظور از «امر» در این آیه و در آیه «وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ تَبَيَّنَتْهُمْ...» امر الناس است و نه امرالله. زیرا که مسلم است که پیامبر اکرم (ص) در احکام الهی با مردم مشورت نمی‌کردند، بلکه در آنها صرفاً تابع وحی بوده و تنها طرز اجرای دستورات و نحوه پیاده کردن احکام الهی را به مشورت می‌گذاشتند.^{۵ و ۶}

۱. سید محمود طالقانی، پرتوی از قرآن، تهران: شرکت سهامی انتشار، چاپ چهارم، ۱۳۶۲، جلد پنجم، صفحه ۳۹۵
۲. محمدجواد ارسطو، نگاهی به مبانی تحلیلی نظام جمهوری اسلامی ایران، قم: موسسه بوستان کتاب، ۱۳۸۹، صفحه ۴۲۲
۳. فارغ از این که این الزام را واجد جنبه ایجابی یا استحبابی بدانیم که این مساله در گفتارهای بعدی مورد بحث قرار خواهد گرفت.
۴. حسینعلی منتظری، دراسات فی ولایة الفقیه و فقه الدولة الإسلامیة، قم: نشر تفکر، چاپ دوم، ۱۴۰۹ هـ ق، جلد دوم، صفحه ۳۲
۵. ناصر مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، تهران: دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۴، جلد سوم، صفحه ۱۴۳
۶. درباره قلمرو مشورت و محدودیت‌های آن در مبحث سوم به طور کامل بحث خواهد شد.

بند دوم: ادله مشورت در سیره معصومین (علیهم السلام)

در سنت ائمه معصومین (علیهم السلام) ادله فراوانی را می‌توان برای اثبات مشورت و توصیه به آن مشاهده کرد. این ادله در جنبه‌های مختلف سنت یعنی گفتار و رفتار ایشان به کرات قابل استناد است.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در مقاطع بسیاری از زندگی‌شان در تصمیم‌گیری‌های مختلف به مشورت با اصحاب خود و صاحب نظران می‌پرداختند تا آنجا که حتی در توصیف ایشان ذکر شده است که «ما رأیت أحداً أكثر مشاورة من رسول الله لأصحابه»^۱ استفاده مکرر پیامبر (ص) از سازوکار مشورت در موضوعات مختلف، خود دلیلی بر این امر است که مشورت در همه امور از سوی شارع پسندیده قلمداد شده است و بر مبنای دلیلی که در برداشت از آیه «وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» بیان نمودیم، در امور حکومتی برای حاکمان لازم به حساب می‌آید.

پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم) در موارد عدیده‌ای به مشورت با صحابی خود می‌پرداختند. در سال دوم هجرت که خبر حرکت کاروان تجاری قریش به پیامبر (ص) رسید، ایشان درباره جنگ یا عدم جنگ با آن‌ها با اصحاب به مشورت پرداختند و با توجه به نظر آنها تصمیم به جنگ گرفتند و در نتیجه غزوه بدر به وقوع پیوست.^۲ پس از جنگ و پیروزی سپاه اسلام نیز، پیامبر (ص) در مورد چگونگی برخورد با اسرا با اصحاب مشورت نمودند که در نهایت تصمیم به اخذ فدیة از آن‌ها گرفتند.^۳ در غزوه احد نیز - همان‌گونه که پیش از این به آن اشاره شد- پیامبر (ص) به مشورت با صحابه پرداختند و علیرغم نظر خودشان و جمعی از صحابه مبنی بر جنگ در داخل مدینه، به خاطر نظر عده زیادی از اصحاب که این امر را منجر به جرات یافتن کفار می‌دانستند و جنگ در خارج از مدینه را صلاح می‌دیدند، تصمیم به جنگ در منطقه احد در خارج از شهر گرفتند.^۴ مشورتی که نتایج مطلوبی نیز برای مسلمانان داشت و در ظاهر به شکست مسلمانان و شهادت تعداد

۱. محمود زمخشری، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل، بیروت: دارالکتب العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۷ هـ ق، جلد اول، صفحه ۴۳۲
۲. محمد بن یوسف صالحی شامی، سبل الهدی و الرشاد فی سیره خیر العباد، بیروت: دارالکتب العلمیه، ۱۴۱۴ هـ ق، جلد چهارم، صفحه ۲۶
۳. جلال الدین سیوطی، الدر المنثور فی تفسیر الماثور، قم: کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی (ره)، ۱۴۰۴ هـ ق، جلد سوم، صفحه ۲۰۲
۴. سید مرتضی عسکری، معالم المدرستین، تهران: موسسه البعثه، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ هـ ق، جلد اول، صفحه ۳۳۸

زیادی از مسلمانان انجامید، اما موجب انصراف پیامبر (ص) از مشورت با مردم و یاران خویش نشد. دو سال بعد از این در جنگ احزاب (خندق) پیامبر اسلام (ص) بنا بر مشورت سلمان فارسی (رحمه الله علیه) برای مقابله با کفار دستور به حفر خندق در اطراف مدینه دادند که موجبات پیروزی سپاه اسلام را فراهم کرد.^۱ به غیر از این‌ها در دیگر جنگ‌ها نظیر غزوه خیبر، غزوه تبوک، غزوه طائف، ماجرای صلح حدیبیه و ... نیز پیامبر (ص) در امور جنگی و اتخاذ تصمیم درباره چگونگی روش‌های نظامی به مشورت می‌پرداختند. در غیر از امور جنگی نیز موارد متعددی از مشورت در سلوک سیاسی اجتماعی پیامبر (ص) روایت شده است. از جمله این موارد در مورد آیه نجوا^۲ که مسلمانان را مکلف به دادن صدقه برای نجوا با پیامبر (ص) می‌کرد، چون میزان صدقه در آیه مشخص نشده بود، پیامبر اسلام (ص) با امیرالمومنین^(ع) مشورت نمودند و با استفاده از نظر ایشان میزان صدقه را مشخص نمودند.^۳ و باری دیگر پس از تهمتی که به یکی از همسران رسول خدا (ص) زده شد (ماجرای افک)^(۴) ایشان برای حل قضیه با تعدادی از صحابه خود به مشورت پرداختند.^۵

این رویه در رفتار سایر معصومین (علیهم السلام) نیز به وفور قابل مشاهده است. امیرالمومنین (علیه السلام) در راه و رسم مدیریتی خود به مشورت پایبند بودند و انجام امور پس از مشورت با مردم را حق آن‌ها می‌دانستند.^۶ و در مواقع خاص تصمیم‌گیری همچون ابتدای حرکت برای جنگ، نظرات مشورتی مردم را از ایشان می‌گرفتند.^۷ موارد عدیده دیگری از مشورت‌های ائمه اطهار (علیهم السلام) نیز در منابع روایی ذکر و روایت شده است.^۸

۱. محمد بن جریر طبری، تاریخ طبری، ترجمه ابوالقاسم پاینده، تهران: انتشارات اساطیر، چاپ پنجم، ۱۳۷۵، جلد سوم، صفحه ۱۰۶۸
۲. سوره مبارکه مجادله، آیه ۱۲
۳. علی بن موسی سید بن طاووس، الطرائف فی معرفه مذاهب الطوائف، قم: انتشارات خیام، ۱۴۰۰ هـ ق، جلد اول، صفحه ۴۱
۴. برای مطالعه بیشتر درباره این موضوع به آیات ۱۱ تا ۲۰ سوره مبارکه نور و تفاسیر مربوط به آن رجوع نمایید.
۵. محمد بن عمر الواقدی، المغازی، تحقیق مارسدن جونس، بیروت: موسسه الاعلمی، چاپ سوم، ۱۴۰۹ هـ ق، جلد دوم، صفحه ۴۳۰
۶. الا و ان لکم عندی الا ... اطوی دونکم امرا الا فی حکم. بدانید حقی که بر عهده من دارید این است که کاری را بی مشورت شما نکنم جز اجرای حکم خدا را. (نهج البلاغه، نامه ۵۰)
۷. نصر بن مزاحم، وقعه صفین، تصحیح عبدالسلام محمد هارون، قم: مکتبه آیه الله المرعشی النجفی، چاپ دوم، ۱۴۰۴ هـ ق، صفحه ۹۲
۸. برای مطالعه بیشتر رک به: مصطفی دلشاد تهرانی، سیره نبوی «منطق عملی»، تهران: انتشارات دریا،

آنچه که ابتدائاً از ذکر این مثال‌ها برداشت می‌شود، پسندیده و مورد سفارش بودن امر مشورت حداقل در حوزه مسائل شخصی و به طور خاص در امور حکومتی و مسائل مربوط به جامعه اسلامی از نگاه شارع است؛ زیرا پیامبر اکرم (ص) و ائمه اطهار (ع) بر این کار مداومت داشته‌اند و فعل معصومین (علیهم السلام) در کنار قول و تقریر، ذیل مفهوم سنت، از ادله‌ای است که به عنوان منبع استنباط احکام شرعی حجیت دارد.^۱

به غیر از مصادیق متعدد مشورت در رفتار پیامبر اکرم (ص) و معصومین (علیهم السلام)، روایات بسیاری نیز از ایشان، در توصیه و تاکید به مشورت و فواید و ویژگی‌های آن نقل شده است که همگی به طور صریح دلالت بر لزوم مشورت و مطلوبیت آن از نگاه شارع مقدس دارد. کثرت روایات در این باره تا حدی بوده است که از نگاه بعضی از علما روایات در این باب به حد تواتر می‌رسد.^۲ نکته مهم در روایات نقل شده این است که این روایات نه تنها به نیکو بودن مشورت اشاره و به انجام آن توصیه کرده‌اند، بلکه با تعابیر متفاوت بر جنبه‌های مختلف قضیه مشورت تاکید کرده و از هر سو به محسنات و فواید آن اشاره نموده‌اند. از یک سو نیاز همه مردم به مشورت بیان شده است که هیچ کسی از مشورت بی‌نیاز نیست^۳، از سوی مشورت و استفاده از نظرات عقلا به عنوان بهترین پشتیبان انسان در زندگی^۴، از جلوه‌های دور اندیشی^۵ و مصداق صریح هدایت^۶ (و نه طریقی برای نیل به آن) و مایه رشد و میمنت و

چاپ دوم، ۱۳۸۵، جلد دوم، صفحات ۳۴۴ تا ۳۴۷

۱. ناصر مکارم شیرازی، دایره المعارف فقه مقارن، قم: انتشارات مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۷ هـ. ق، صفحه ۱۶۴
۲. ناصر مکارم شیرازی، انوار الفقاهه (کتاب البیع)، قم: انتشارات مدرسه علی بن ابی طالب علیه السلام، ۱۴۲۵ هـ. ق، صفحه ۴۹۰
۳. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مَا يَسْتَعْنِي رَجُلٌ عَنْ مَشُورَةٍ: هِيَ كَسْ مِنْ مَشُورَةٍ بِي نِزَاجٌ نِيسْت. (ابوالقاسم پاینده، نهج الفصاحه (مجموعه کلمات قصار حضرت رسول صلی الله علیه و آله)، تهران: انتشارات دنیای دانش، چاپ چهارم، ۱۳۸۲، صفحه ۴۹۷، حدیث (۱۶۳۷))
۴. قال امیرالمومنین (ع): لَأَمْطَاهِرَةٌ أَوْثَقُ مِنْ مَشَاوِرَةٍ. هِيَ كَسْ مِنْ مَشُورَةٍ بِي نِزَاجٌ نِيسْت. (نهج البلاغه، حکمت (۱۱۳) و لَأَظْهَرُ كَأَلْمَشَاوِرَةِ. پشتیبانی چون مشورت نیست. (نهج البلاغه حکمت (۵۴))
۵. عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ ع قَالَ: قِيلَ لِرَسُولِ اللَّهِ (ص) مَا الْحَزْمُ قَالَ مَشَاوِرَةٌ ذَوِي الرَّأْيِ وَ اتِّبَاعُهُمْ. امام صادق (ع) از پدرشان نقل کرده‌اند که از رسول خدا سوال کردند که دوراندیشی چیست؟ فرمودند: مشورت با صاحب نظران و پیروی از آن‌ها. (برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تحقیق جلال الدین مصحح، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱، جلد دوم، صفحه ۶۰۰)
۶. قال امیرالمومنین (ع): الْإِسْتِشَارَةُ عَيْنُ الْهُدَايَةِ. مشورت کردن عین هدایت است. (نهج البلاغه، حکمت (۲۱۱))

توفیق از جانب خداوند دانسته شده است^۱. بر این اساس، نه تنها مشورت در اتخاذ تصمیم صحیح راهگشا خواهد بود، بلکه نفس مشورت آن چنان از جانب خداوند نیکو شمرده شده است که توفیقات خود را در پی مشورت، به مشورت کننده ارزانی خواهد داشت. مهم ترین و اصلی ترین هدفی که مشورت موجب نیل به آن می شود، استفاده از نظرات و تجربیات دیگران برای حل مشکلات و انتخاب راه حل صحیح و درست است. از این رو مشورت باعث می شود تا انسان مشورت کننده با عقل های دیگران شریک گردد^۲ و بتواند با استفاده از اندیشه دیگران و با بهره بردن از نور عقل ها^۳، تصمیم گیری کند.

در نگاه معصومین (علیهم السلام) نتیجه طبیعی و حتمی طی کردن چنین روندی در تصمیم گیری ها و دوراهی های پیش رو، رهنمون شدن به هدایت^۴ است و راهی به جز یافتن راه درست وجود نخواهد داشت^۵. تمسک به فرآیند مشورت و استفاده از نظرات عقلا باعث می شود تا انسان از گمراهی مصون بماند^۶ و از افتادن در دام هلاکت بگریزد^۷ و هیچ گاه از مشورت کردن خود پشیمان نگردد^۱. توضیح آن که تصمیمی که

۱. قَالَ رَسُولُ اللَّهِ (ص): مُشَاوَرَةُ الْعَاقِلِ النَّاصِحِ رُشْدٌ وَ يُعْنُ وَ تَوْفِيقٌ مِنَ اللَّهِ فَإِذَا أَسَارَ عَلَيْكَ النَّاصِحُ الْعَاقِلُ فَيَأْتِكَ وَ الْجَلَّافَ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ الْعَطْبَ: مشورت کردن با عاقل خیرخواه مایه هدایت و میمنت است و توفیقی است از جانب خداوند، پس هرگاه خیرخواه عاقل تو را راهنمایی کرد، مبدا مخالفت کنی که موجب نابودی می شود. (برقی، احمد بن محمد، المحاسن، تحقیق جلال الدین مصحح، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۳۷۱، جلد دوم، صفحه ۶۰۲)

۲. قَالَ امیرالمومنین ع: مَنْ شَاوَرَ رُبَّاهُ هَلَكَ وَ مَنْ شَاوَرَ الرُّجَالَ شَارَكَهَا فِي عُقُوبِهَا. هر که خودکامگی پیشه کند به هلاکت رسد و هر که با مردم مشورت کند در خردشان شریک شده است. (نهج البلاغه، حکمت ۱۶۱)

۳. قَالَ امیرالمومنین ع: مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْعُقُولِ اسْتَضَاءَ بِأَنْوَارِ الْعُقُولِ: هر کس با عقلا مشورت کند، از نور عقل ها بهره می برد. (عبدالواحد بن محمد تمیمی آمدی، غررالحکم و دررالکلم، تحقیق سید مهدی رجائی، قم: دارالکتب الاسلامیه، چاپ دوم، ۱۴۱۰ ه ق، صفحه ۶۲۷)

۴. قَالَ امیر الْمُؤْمِنِينَ (ع): مَنْ شَاوَرَ ذَوِي الْأَبَابِ دُلَّ عَلَى الرَّشَادِ. هر کسی که با خردمندان مشورت کند به هدایت و راه درست رهنمون می شود. (محمدباقر مجلسی، بحارالأنوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ه ق، جلد هفتاد و دوم، صفحه ۱۰۵)

۵. وَ قَالَ امیرالمومنین (ع): مَا تَشَاوَرَ قَوْمٌ إِلَّا هَدُوا إِلَى رُشْدِهِمْ. هیچ قومی مشورت نکردند جز اینکه راه خود یافتند. (ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ترجمه احمد جنتی، تهران: موسسه امیرکبیر، ۱۳۸۲، صفحه ۳۶۷)

۶. قَالَ امیرالمومنین (ع): مَا ضَلَّ مِنْ اسْتِشَارٍ. هر که مشورت کند گمراه نشود. (محمد بن حسین آقا جمال خوانساری، شرح آقا جمال خوانساری بر غرر الحکم و درر الکلم، تهران: دانشگاه تهران، چاپ چهارم، ۱۳۶۶، جلد ششم، صفحه ۵۰)

۷. عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَنْ يَهْلِكَ امْرُؤٌ عَنْ مَشُورَةٍ هِيَ كَسْ مِنْ مَشُورَةٍ بِه هَلَكَتْ نَمِي أَفْتَد. (محمد بن حسن شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ه ق، جلد